

اختیارات شوهر در منع اشتغال زن در نظام حقوقی ایران

محمدحسن صادقی مقدم^{۱*}، امین امیرحسینی^۲

چکیده

یکی از مسائلی که ممکن است به اساس خانواده خلل وارد کند، اشتغال زن و شوهر به مشاغلی است که به بنیان و اساس خانواده آسیب می‌رساند. سؤال اصلی، محدوده اشتغال زوجه و اختیار زوج در ایجاد محدودیت برای حفظ اساس خانواده در حقوق ایران است. مقاله با روش کتابخانه‌ای نگاشته شده و با تأکید بر حق اشتغال زوجه به حکم اولیه، در مواردی به شوهر اجازه داده شده است که چنانچه اصل اشتغال زوجه یا نوع آن به اساس خانواده خللی وارد کند، بتواند زوجه را از آن نوع خاص شغل یا اصل اشتغال منع کند. این اختیار را می‌توان در راستای اختیارات مرد، به‌عنوان عنصر قوام‌بخش خانواده، تحلیل کرد. از موارد مجاز منع اشتغال زوجه، اموری است که به وظیفه زن در تشدید مبانی خانواده، مساعدت در تربیت فرزندان و انجام وظیفه تمکین خلل وارد کند یا حیثیت و شئون خانوادگی را خدشه‌دار نماید. نکته درخور تأکید اینکه برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی شوهر از اعمال این حق، تقاضای زوج و اثبات تنافی شغل انتخابی با مصالح خانواده یا حیثیت مرد یا زن و صدور حکم قضایی، لازمه جلوگیری از اشتغال زن به حرفه مغایر با وظایف و شئون خانوادگی است.

کلیدواژگان

اختیارات شوهر، اشتغال زن، تکالیف زن، مغایرت با شئون خانوادگی، ممانعت از اشتغال زن، منافی حیثیت مرد.

۱. استاد دانشگاه تهران
mhsadeghy@ut.ac.ir
amin181170@chmail.ir

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۹

مقدمه

در تحلیل جایگاه زن در نظام حقوقی اسلام، این حقیقت آشکار می‌شود که اسلام، به‌منزله دینی هدایت‌گر از جانب خدای متعال، اهمیتی درخور شأن و جایگاه زن برای وی قائل است. برخلاف آن، به گواهی متون تاریخی و اسناد خدشه‌ناپذیر، در غرب، از یونان باستان و روم قدیم تا کمی قبل از قرن بیستم، با زن به‌منزله کالایی قابل مبادله و توارث برخورد می‌شد و پس از مرگ شوهر، زن به‌عنوان میراث باقی‌مانده از مرد، تحت سرپرستی پسر بزرگ خانواده قرار می‌گرفت [۲، ص ۱۰۲؛ ۴۱، ص ۸۹]. دلایل روشن در برابری زن و مرد در شأن و جایگاه، تقرب الهی، کسب معارف و علو درجات معنوی و همچنین بهره‌مندی از مواهب مادی به‌صراحت در آیات قرآن مجید، به‌منزله منبع اصلی استنباط احکام اسلامی، آمده است (حجرات/ ۱۳). خداوند در آیات متعددی زن و مرد را مساوی در کنار هم قلمداد می‌کند (احزاب/ ۳۵؛ آل‌عمران/ ۱۹۴).

با نگاهی اجمالی به تاریخ میراث قبل از اسلام و بررسی ادیان الهی [۳۷، ص ۲۱۴] و قوانین کشورهای اروپایی حتی تا کمی قبل از یکصد سال اخیر [۱۱، ص ۲۶۴؛ ۳۳، ص ۲۱۴] برای زن هیچ‌گونه استقلال مالی قائل نبوده‌اند [۱۸، ص ۵۶]. اصل استقلال اموال زوجین به تعبیر برخی از حقوق‌دانان ایرانی، قاعده‌ای آمره است و به همین دلیل شرط خلاف آن نافذ نیست [۲۹، ص ۱۳۸]. مبانی این ادعا به‌خوبی توسط فقهای سلف تبیین شده است [۴، ص ۴۴۹]. از طرف دیگر، اهمیت نهاد خانواده در نظام اجتماعی اسلام و جایگاه انسان‌ساز آن در تربیت آحاد جامعه، مورد تأکید اسلام است. بدیهی است که با توجه به اهمیت خانواده و نقش اساسی آن در تشکیل جوامع بشری و ضرورت توجه به استحکام خانواده، در برخورد با موضوعات مرتبط با آن، تسامح و تساهل جایز نیست [۱۳، ص ۱۶۱]. با توجه به تحول عظیم در ساختار فرهنگی و اقتصادی و صنعتی جوامع [۱۷، ص ۲۳۹]، به تناسب پیشرفت‌ها و تغییرات، علم حقوق در یافتن پاسخ‌ها و ارائه راه‌حل‌ها، در عین تبعیت از اصول کلی، باید متحول‌شده و توسعه‌یافته رفتار کند [۱۶، ص ۲۰۷].

بیان مسئله

تحول ذکرشده در حوزه اشتغال اعضای خانواده، همچون زنان، و حضور بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی به دلیل نیاز اقتصادی و تحولات به‌ظاهر فرهنگی، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز است. سؤال ابتدایی در این حوزه به وظیفه هر یک از زن و مرد در تأمین نیازهای مادی و مشارکت در اقتصاد خانواده برمی‌گردد. براساس قوانین ایران متکی به منابع فقهی، زن هیچ وظیفه‌ای در تأمین نیازهای مادی زندگی ندارد و تأمین نفقه و هزینه‌های وی حتی هزینه نیازهای ویژه زن، مانند هزینه‌های درمانی، برعهده مرد است [۱۲، ص ۴۰۵].

با این وصف، سؤال اصلی مقاله به اشتغال داشتن یا نداشتن زوجه، در عین عدم تکلیف در تأمین نیازهای زندگی و حق زوجه در اشتغال به حرفه‌های مختلف و محدوده آن برمی‌گردد. درحقیقت، نویسندگان به دنبال یافتن پاسخی منطبق بر مبانی و فلسفه تشکیل خانواده در مورد این سؤال هستند که چنانچه اشتغال زوجه به هدف اصلی تشکیل خانواده و مأموریت‌ها و تکالیف زن خدشه وارد کند، آیا مرد می‌تواند وی را از اشتغال به کار، به‌طور کلی، و اشتغال به کار خاص، به‌طور جزئی، بازدارد؟ اگر چنین است، بر چه مبنا و اساسی چنین حقی دارد؟ آیا به صرف ادعای مرد مبنی بر بروز اختلال در زندگی زناشویی و انجام‌ندادن تکالیف زناشویی، وی می‌تواند زن را از اشتغال به حرفه معین بازدارد؟ آیا ضمانت اجرای قانونی وجود دارد یا مرد با مراجعه به دادگاه و تقاضای صدور رأی لازم‌الاجرا از محکمه قضایی می‌تواند زوجه را از اشتغال به حرفه معینی بازدارد؟ نویسندگان با تبیین حق زوجه بر اشتغال و تشریح دلایل آن و شمارش برخی از مصادیق مغایر با مصالح خانواده، با تأکید بر حفظ مصالح خانواده، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده زوج، شرایط اعمال حق ذکرشده را تشریح خواهند کرد.

روش

مقاله حاضر از نظر هدف، پژوهشی نظری- کاربردی و از حیث ماهیت تحقیقی توصیفی- تحلیلی تلقی می‌شود. در این زمینه، برای بررسی و تحلیل تحولات از روش توصیفی- تحلیلی، مذاقه در نظریه‌ها و آرای حقوق دانان و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، بهره گرفته می‌شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز تحلیلی- توصیفی بوده و برای نیل به مقصود از کتب، مقالات علمی- پژوهشی و رساله‌های دانشجویی استفاده شده است. به‌علاوه، در حوزه عملی و عملکرد دادگاه‌ها نیز به روش میدانی، از آراء، انتقادات و پیشنهادهای افراد متخصص در این حوزه بهره‌گیری شده است.

حق اشتغال زوجه

حق اشتغال زوجه در نظام حقوق اسلام و به تبع پیروی قوانین از منابع اسلامی، در حقوق ایران مورد تأیید و توجه است. در ادامه، حق اشتغال زوجه در اسلام و حقوق ایران بررسی می‌شود. قبل از طرح مباحث مذکور، شایسته است که موضوع اشتغال زن در اسناد بین‌المللی نیز تجزیه و تحلیل شود.

حق اشتغال زوجه در اسلام

اسلام به حق مالکیت و حق توارث زن احترام گذاشته و در آیات متعددی بر این امر صحه

گذاشته و تأکید کرده است که دستاورد و درآمد زن متعلق به خود اوست (نساء/ ۳۲). نمونه عملی این امر، اشتغال به تجارت از سوی حضرت خدیجه، همسر بزرگوار پیامبر اسلام (ص)، و میزان دارایی وی بود. همچنین، بهره‌مندی زنان از ماترک خویشاوندان منتسب به زوج که مورد تأکید قرآن قرار گرفته است (نساء/ ۷).

از معانی کسب و اکتساب برمی‌آید که اکتساب در موردی استعمال می‌شود که شخص مالی برای خود به دست آورد و کسب در جایی به کار می‌رود که شخص برای خود و دیگری چیزی به دست می‌آورد و اصل معنای کسب کردن جمع کردن است [۲۲، ص ۱۷۴]. در آیه ذکر شده حلال بودن اکتساب برای زنان، یعنی تحصیل درآمد، مفروض گرفته شده است. از صراحت در تفکیک زن و مرد در آیه، عدم انحصار مالکیت و کسب و کار به مردان، استنباط می‌شود. قرآن در آیات متعددی ضمن تشویق مردان و زنان به کسب و کار (جمعه/ ۱۰) و دعوت به آبادانی (هود/ ۶۱) و بهره‌برداری از منافع زمین (ملک/ ۱۵)، برخی از نمونه‌های حضور و تلاش زنان به کار و تلاش اقتصادی را بیان کرده است (قصص/ ۲۳-۲۶). حضور زنان در صحنه‌های سیاسی مانند بیعت (ممتحنه/ ۱۲) و همچنین هجرت (ممتحنه/ ۱۰) و حتی جهاد در اسلام از امور بدیهی است.

صرف نظر از آثار مثبت اشتغال زنان، از قبیل بهره‌مندی از توان و تخصص زنان، افزایش ظاهری رفاه و تأمین نیاز اقتصادی خانواده و آثار منفی آن از قبیل کاهش ارتباط با اعضای خانواده، بروز مشکلات عاطفی برای فرزندان، خستگی ناشی از کار مضاعف خانه و محل کار، نارضایتی شوهر [۹، ص ۷۶]، ضرورت اشتغال زنان در برخی از مشاغل از قبیل امور آموزشی و درمانی بخش زنان و مشارکت زنان در امور اقتصادی خانواده را نمی‌توان نادیده گرفت. معنای عبارت کسب در آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء را برخی طلب رزق [۵، ص ۲۱۲] و دیگران تحصیل فایده دانسته‌اند [۸، ص ۴۳۰]. در باب معنای کلی آیه، به‌رغم احتمال به اکتساب اجر یا عقاب اخروی و میراث دنیوی، مشهور، نظر به اکتساب درآمدهای کشاورزی و تجارت و دسترنج بشر از مشاغل مختلف داده‌اند [۷، ص ۶۶؛ ۲۲، ص ۳۳۸؛ ۲۳، ص ۶۴؛ ۲۵، ص ۱۸۵؛ ۳۵، ص ۱۶۳]. بنابراین، در آزادی اشتغال زنان به کار و تلاش و تجارت و اختصاص دسترنج زنان به خودشان به صورت مستقل از شوهر و خانواده، تردیدی وجود ندارد.

حق اشتغال زوجه در حقوق ایران

برابر اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، هر مرد و زن ایرانی حق انتخاب آزادانه شغل مورد دلخواه خود را به شرط مغایرت نداشتن با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران دارد. وظیفه ایجاد شرایط مساوی و امکان اشتغال به کار همه افراد، اعم از زن و مرد، برعهده دولت

است.^۱ علاوه بر اصل مذکور، در بندهای دوم، چهارم و هفتم اصل ۴۳ قانون اساسی نیز بر تأمین شرایط و امکانات کار برای همهٔ آحاد جامعه و آزادی انتخاب شغل و اجبارنداشتن افراد به کاری معین و تربیت افراد ماهر برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور تأکید شده است.^۲ در هیچ‌یک از اصول قانون اساسی، تفاوتی بین زن و مرد در اشتغال به حرفه‌های مختلف وجود ندارد. علاوه بر این، در اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف شده است حقوق زن را در همهٔ جهات با رعایت موازین اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌های ذیل، رعایت کند:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛

۲. حمایت مادران به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند.

علاوه بر آن، در مواد متعددی از قانون کار، همچون مواد ۳۸، ۷۵، ۷۶، ۷۷ و ۷۸، به مواردی از قبیل اشتغال و مزد مساوی زن با مردان در قبال کار مساوی و ممنوعیت کارهای سخت و زیان‌آور، مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن پرداخته است. در فرصت‌های شغلی، علی‌الاصول زنان مانند مردان می‌توانند به مشاغل مختلف دست یابند و هیچ منع قانونی برای اشتغال زنان وجود ندارد [۲۷، ص ۳۱].

در موارد متعددی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، به‌منزلهٔ عالی‌ترین مرجع در حوزه‌های فرهنگی، از جمله منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسهٔ ۵۴۶ مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، بر حقوق زنان از جمله حق اشتغال تأکید شده است.

با توجه به برخی از محدودیت‌های شغلی برای زنان، از جمله محدودیت اشتغال به مشاغل سنگین در ارتش و سپاه پاسداران، به استناد مادهٔ ۳۳ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۶۱ و مادهٔ ۲۰ قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیز در راستای وضعیت خاص زنان تحلیل می‌شود؛ اگرچه در مشاغل درمانی، بهداشتی و نظایر آن مجاز شمرده شده است.

۱. اصل ۲۸ قانون اساسی: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است که با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همهٔ افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

۲. بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همهٔ کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند...»

بند چهارم اصل ۴۳ قانون اساسی: «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی کار دیگری...»

بند هفتم اصل ۴۳ قانون اساسی: «استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر نسبت به احتیاج برای توسعه و اقتصاد کشور...»

با توجه به ضرورت حضور زنان در برخی مشاغل، قوانین نیز بنا به ضرورت، متعرض مسائل مذکور شده و در نتیجه به صحت اشتغال زنان مهر تأیید زده است [۱، ص ۱۸؛ ۱۰، ص ۱۲۹؛ ۳۴، ص ۱۴۲].

حق اشتغال زن در اسناد بین‌المللی

حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته است؛ ولی معمولاً تلاش مردان در اعمال سلطه خود بر کار و نتیجه تلاش دیگران، از جمله زنان، بوده است. اگرچه تاریخ جوامع نشان می‌دهد که در نظامهای طبقاتی هر طبقه و صنف می‌توانستند شغل خاصی را برگزینند، مبارزات برای دسترسی مردم به آزادی انتخاب شغل برای آحاد مردم در جوامع مختلف به ثمر نشست و در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تجلی یافت. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این مورد مقرر می‌دارد:

هرکس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب نماید. شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند [۳۱، ص ۸۵].

پس از صنعتی‌شدن اروپا، حضور زنان در کارخانجات و محیط‌های کارگری بیشتر شد. یکی از علل این امر احساس نیاز کارفرمایان به کار ارزان زنان بود. به قول ویل دورانت:

زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین‌قیمت ترجیح می‌دادند و اعلامیه کارفرمایان زنان و کودکان را به کارخانجات فرامی‌خواندند [۴۰، ص ۱۵۱].

هم‌اکنون، ۴۵ درصد جمعیت حقوق‌بگیر در کشورهای اتحادیه اروپا را زنان تشکیل می‌دهند. در برخی از کشورهای اروپایی، مانند فنلاند، فرانسه و سوئد، این مقدار از ۵۰ درصد نیز فراتر رفته است. هنوز حقوق زنان حدود ۲۰ درصد از مردان کمتر است [۲۶، ص ۲۴۸]. با توجه به اهمیت موضوع در کشورهای غربی، در قانون اساسی این کشورها به‌طور ضمنی و برخی از کشورها به‌صراحت به موضوع اشتغال همه آحاد مردم پرداخته شده است. از جمله ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به حق کار، به‌منزله یک حق لاینفک حقوق انسانی، اشاره شده است. در بندهای دیگر این ماده، به مواردی که تضمین‌کننده رفع تبعیض علیه زنان در حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، دریافت مزد مساوی با حق برخورداری از تأمین اجتماع و مراقبت بهداشتی و امنیت شرایط کار، مانند ایمنی لازم برای دوران بارداری، اشاره شده است. قوانین حمایتی در ماده ذکر شده باید همگام با عدم پیشرفت بررسی و در صورت لزوم بازنگری، لغو یا تمدید شود [همان].

حق مالکیت زن

براساس ماده ۹۵۸ قانون مدنی، همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، از حقوق مدنی متمتع می‌شوند. یکی از انواع بدیهی حقوق مدنی، حق مالکیت است. بنابراین، در صورت اشتغال زوجه، وی نتیجه کار خود را تملک می‌کند. با تردید در حق اشتغال زوجه می‌توان به ماده ذکر شده استناد کرد [۳۸، ص ۳۳]. یکی دیگر از موارد مورد استناد حقوق دانان در جواز اشتغال زوجه، ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی است [۲۱، ص ۱۳۳]. ماده ذکر شده در خصوص تصرف زن در اموال خود، به‌طور مستقل ذکر شده است و به‌طور طبیعی، چنانچه زن اموالی داشته باشد، تصرف در اموال ذکر شده مستلزم اجازه از دیگری از جمله شوهر نیست [۲۴، ص ۲۸۶]. از جمله حقوق مالی زوجه، مهریه، نفقه، اجرت‌المثل زن در کارهای خانه، مزد شیردادن و نگهداری فرزند، ارث، دریافت و پذیرش هبه و درآمدهای حاصل از کار و فعالیت است. چیزهایی که در اسلام با نزول آیات وحی به‌منزله منابع مالی بدیهی برای زنان برشمرده شده است، قوانین کشورهای اروپایی در سال‌های ۱۹۰۰ به بعد به آن پرداخته‌اند. زنان در اروپا حتی مالک محصول کار خودشان نبودند. آلمانی‌ها در سال ۱۹۰۰، سوئیسی‌ها در ۱۹۰۷ و ایتالیایی‌ها در سال ۱۹۱۹ قانون مالکیت زرا به تصویب رساندند [۴۲، ص ۱۰۶]. از منابع مالی ذکر شده، روشن است که زن حتی در صورت اشتغال نداشتن به کار نیز از منابع مالی برخوردار است [۹، ص ۱۴۵] و می‌تواند در اموال شخصی خود، بدون موافقت شوهر، صرف‌نظر از اینکه اموال به‌دست‌آمده قبل از ازدواج وی باشد یا بعد از آن، هرگونه تصرفی داشته باشد [۳۰، ص ۳۱۷].

با پذیرش استقلال مالی و حق مالکیت برای زن، جواز حق کار و اشتغال نیز اثبات می‌شود [۲۷، ص ۳۱]. اکنون با پذیرش حق مالکیت برای زن در نتیجه حق اشتغال به مشاغل مورد علاقه و اعتقاد به آزادی زن در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و کسب درآمد در نتیجه تلاش مذکور، به مسئولیت زن در حفظ قوام خانواده و تشییع مبنای آن اشاره خواهیم داشت.

مسئولیت زن در تشییع مبنای خانواده

هریک از زن و مرد در حفظ بنیان خانواده، تربیت فرزندان و احترام متقابل به یکدیگر وظایفی دارند. قانون مدنی در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ از عناوینی مانند تکلیف به حسن معاشرت با یکدیگر، معاضدت در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد نام برده است. ضمانت اجرای این تکالیف و معاضدت و همکاری را نباید از رأی دادگاه و اجرای آن انتظار داشت؛ بلکه مصداق‌های این تکالیف نیز نوعی الزام اخلاقی است [۲۹، ص ۲۱۲]. به امور ذکر شده، که به‌صراحت در مواد قانون مدنی مشهود است، اموری مانند وفاداری و ضرورت سکونت مشترک را نیز باید اضافه

کرد. اگرچه قانون مدنی در ماده ۱۱۱۴ سکونت زن را در منزلی که توسط شوهر تعیین می‌شود، در صورت عدم واگذاری حق سکونت به زن، تکلیف زن دانسته است، به نظر می‌رسد تکلیف ذکرشده مربوط به جایی است که متناسب با عرف و عادت و رعایت شئون زن باشد [۳۰، ص ۳۱۱]. برابر آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء، مردان مکلف به معاشرت به نیکی با زنان هستند و به حکم آیه ۶ سوره مبارکه طلاق، نباید به آنان سخت بگیرد و به آنان ضرر برساند. تلاش و معاضدت زن در تشیید مبانی خانواده و مشارکت وی در تربیت فرزندان همراه شوهر از تکالیف زن است. خانواده‌ای که در آن هریک از اعضایش در چارچوب گزاره‌های قانونی و به کمک اخلاق خانوادگی موظف به تلاش‌هایی برای حفظ دوام و قوام آن هستند، به تصمیم‌گیرنده‌ای نیاز دارند که در صورت به خطر افتادن این بنیان اصلی و اساسی در ساختار اجتماعی، تصمیم‌نهایی را بگیرد. آن‌ها موظفاند زیر یک سقف و با رعایت وفاداری و نهایت عشق‌ورزی و ابراز علاقه به یکدیگر در استحکام مبانی خانواده و تربیت محصول این بنیان و اساس، یعنی فرزندان که عناصر اصلی سازنده جامعه خانواده‌محور است، تلاش کنند. از نظر برخی از حقوق‌دانان ما، قواعد حاکم بر خانواده ما از آن سازمانی مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی ساخته است [۲۹]. در نتیجه، از هر چیزی که به این سازمان مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی خدشه وارد کند، باید پرهیز شود و هریک از زن و شوهر در عین آزادی در انتخاب شغل، باید از مشاغلی که این خانواده مهم متشکل از زوجین را به خطر می‌اندازد، اجتناب کنند.

ریاست خانواده

در ضرورت تصمیم‌گیری در اجتماعات، ولو اجتماعات دونفری، در هر سازمان حقوقی یا مردمی از نظر عقلی تردیدی وجود ندارد. دوام این اجتماع دونفری، یعنی خانواده، نیز جز با تعیین مدیر و مسئول ویژه ممکن نیست [۲۹، ص ۲۲۳]. معمولاً یکی از دو نظر و تصمیم در یک جمع دونفری باید جامعه عمل بیوشد تا کارها با بن‌بست مواجه نشود. در مقابل این سؤال که چرا باید ریاست خانواده با مرد باشد، پاسخ این است که از نظر قوای جسمانی و احاطه بر امور اجتماعی، به‌طور نوعی صلاحیت بیشتری برای عهده‌دار شدن این مسئولیت در مردان مشاهده می‌شود. برای تصدی ریاست خانواده، باید به دنبال فردی بود که علاوه بر برتری در قوای جسمانی، بر امور اجتماعی نیز احاطه داشته باشد. به‌طور نوعی، این ویژگی‌ها بیشتر در مردان دیده می‌شود و صلاحیت بیشتری برای عهده‌دار شدن این مسئولیت در آن‌ها مشاهده می‌شود. استنباط احراز این مسئولیت از آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء^۱ به‌منزله عهده‌دار شدن یک مسئولیت مهم و به دنبال آن، عهده‌دار شدن هزینه‌های زندگی زناشویی است. قانون مدنی به موجب ماده ۱۱۰۵

۱. «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم».

ریاست خانواده را در روابط زوجین از خصایص مرد برشمرده و در ماده قبل از آن وظیفه معاونت و یآوری او را در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزندان به زن داده است [۲۹، ص ۲۲۴]. از تعبیر ریاست در ماده ذکر شده نباید تلقی برتری و ارزش‌گذاری مرد بر زن شود، زیرا در مجموعه آیات و روایات هر جا بحث از ارزش جنس زن و مرد شده است، سخن از برابری و ارزش مساوی است. قرآن کریم در آیات متعددی برای زن و مرد در کنار هم زمینه‌های مغفرت و پاداش عظیم قرار داده است (احزاب/ ۳۵). در این آیه، در مراتب اسلام و ایمان و قنوت و عبادت و صدق و صبر و خشوع و صدقه و روزه و تقوا و ذکر خداوند، زن و مرد را در کنار هم آورده است. قراردادن پاداش اخروی برای اعمال زن و مرد در آیه ۱۹۴ سوره مبارکه آل عمران نیز از نمونه‌های بارز برابری در ارزش عمل زن و مرد از دیدگاه اسلام است.

بسیاری از مفسران به درستی از لفظ سرپرست برای تفسیر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء بهره برده‌اند [۳۵، ص ۴۱۲]. به روشنی معلوم است که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و مانند هر اجتماعی باید یک سرپرست و مسئول داشته باشد. سرپرستی مرد در نظام خانواده، به‌عنوان یک اجتماع دونفری، نیز از همین قبیل است. عهده‌دار شدن این مسئولیت و پذیرش سرپرستی یک خانواده دو یا چند نفره هم به دلیل ویژگی‌ها و قوای جسمانی است و هم به دلیل پذیرش مسئولیت‌های مالی از قبیل پرداخت نفقه، مهریه، هزینه‌های نگهداری و تربیت فرزندان و حتی پرداخت اجرت‌المثل کارهای زن در خانه [۱۵، ص ۱]. یکی از دلایل ریاست و سرپرستی مردان در خانواده ترجیح قوه تفکر بر احساسات در ادامه امور خانواده است. از همین روی، مسئولیت سرپرستی و اداره این اجتماع دونفری برعهده مردان و معاونت و یآوری به زنان سپرده شده است. چنانچه اسلام برعکس این هم عمل می‌کرد و سرپرستی را در اختیار زنان قرار می‌داد نیز این ایراد بی‌پاسخ، امکان طرح پیدا می‌کرد که چرا سرپرستی و ریاست خانواده برعهده زنان گذاشته شده است. در نتیجه، به‌خوبی روشن است که ریاست و به تعبیر صحیح‌تر سرپرستی اجتماع دونفری زن و مرد در حقیقت نوعی پذیرش مسئولیت و عهده‌دار شدن اداره خانواده است که در ضمن پذیرش مسئولیت پرداخت هزینه‌های زندگی، تصمیم‌گیری در وقت ضرورت و نیاز را نیز برعهده مرد قرار داده است. این تصمیم‌گیری نهایی صرفاً در امور خانواده و مراعات مصالح آن، از قبیل انتخاب محل سکونت (ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی) و انتخاب شغل زن (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی) و نظایر آن، از اختیارات شوهر است [۳۰، ص ۳۸۸].

رئیس یا سرپرست خانواده، هر یک از زن و مرد که باشند، نمی‌توانند و نباید از ضروریات این مسئولیت تجاوز کنند. ریاست مرد بر خانواده و در چارچوب سازمان حقوق خانواده یک وظیفه اجتماعی است و مرد نباید به‌منزله یک حق شخصی از آن استفاده کند [۲۹، ص ۲۲۶]. ریاست خانواده برعهده مرد است، زیرا مسئولیت اداره خانواده را بهتر ایفا می‌کند. کانون خانواده با رهبری و فرماندهی دلسوزانه مرد به نحو شایسته‌تری قوام و استحکام می‌یابد و اعمال این اختیار از طرف مرد باید به منظور حفظ مصالح خانواده باشد [۲۹، ص ۲۲۷].

محدودیت‌های اشتغال زن و حدود اختیارات شوهر

با توجه به اهمیت سازمان حقوقی خانواده در اجتماعات بشری و تأکید مضاعفی که نظام اسلامی به جایگاه خانواده، متشکل از زن و مرد و فرزندان، در جامعه اسلامی دارد، هریک از زن و مرد حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر دارند (ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی). بهره‌مندی زوجه از حقوق مالی نظیر مهریه به تراضی طرفین (ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی)، نفقه شامل هزینه مسکن و لباس و غذا و حتی خادم در صورت عادت یا نیاز زن (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی)، هزینه‌های درمانی و بهداشتی [۱۲، ص ۴۰۶] و اجرت‌المثل کارهای زن در خانه با توجه به نبود هیچ‌گونه تکلیف در انجام دادن کار زن در خانه و نیز مطالبه اجرت شیردادن به فرزند از سوی زن، از حقوق مالی زن است. علاوه بر این‌ها، در صورت وجود هرگونه شرط در ازدواج از قبیل تنصیف دارایی شوهر در زمان زناشویی و بهره‌مندی زن از ماترک شوهر متوفای خود با کیفیت و شرایط موجود در قانون مدنی (مواد ۹۴۶، ۹۴۸، ۹۴۹ و ۹۴۹ قانون مدنی) از دیگر حقوق مالی زن است. زن در کلیه حقوق مالی و دارایی‌های خود هرگونه تصرف مستقل را دارد (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی).

از نتایج ریاست مرد بر خانواده، علاوه بر تمکین، تعیین محل سکونت توسط مرد، مخالفت شوهر با شغل زن در صورت منافات با مصالح خانوادگی و حیثیت زن یا شوهر، عدم خروج زن از محل زندگی بدون اجازه یا رضایت شوهر، امور دیگری مانند تحمیل تابعیت مرد بر زن در صورت ازدواج با تبعه خارجی (ماده ۹۷۶ قانون مدنی) و تعیین اقامتگاه زن شوهردار در اقامتگاه شوهر (ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی) و امکان استفاده از نام خانوادگی شوهر (موضوع ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵) و ولایت پدر بر فرزندان (موضوع مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۰ قانون مدنی) گفتنی است.

از نکات ذکر شده، آنچه مربوط به موضوع مقاله است، بحث و نتیجه‌گیری خواهد شد. به مناسبت موضوع اصلی، یعنی اشتغال زوجه و حدود اختیارات شوهر در منع وی از اشتغال به مشاغل خلاف مصالح، شئون و حیثیات زن و خانواده، کسب رضایت شوهر در خروج از منزل، که مقدمه اشتغال به مشاغل خارج از منزل و در اجتماع است، بحث و درنهایت اصل اشتغال به مشاغل مختلف و ذکر ملاک و مصداق مشاغل خلاف شئون و مصالح و حیثیات خانوادگی تجزیه و تحلیل می‌شود.

بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، زن باید رضایت شوهر را هنگام خروج از منزل کسب کند [۳، ص ۳۰۷]. شهید ثانی نیز در این باره معتقد است که خارج نشدن از منزل شوهر بدون اجازه وی از حقوق شوهر بر زن است؛ اگرچه نزد خانواده خود برود [۳، ص ۳۰۸]. برخی از فقها نیز مواردی را استثنا کرده‌اند [۶، ص ۴۷۸؛ ۲۲، ص ۳۰۸؛ ۳۲، ص ۶۵۵؛ ۳۶، ص ۳۰۵؛ ۳۹، ص ۳۰۶]. عنصر اصلی در توجیه این اختیار برای مرد در چارچوب ریاست و سرپرستی مرد بر خانواده تحلیل می‌شود. اگر بناست که در نظام اسلامی، خانواده نقش مهم و ویژه‌ای ایفا کند، در عین

آزادی زن در کسب مال و به تبع آن اشتغال به مشاغل مختلف، نباید به اساس خانواده و اهداف آن خللی وارد آید. از مسائلی که ممکن است به این مهم خدشه وارد کند، خروج زن بدون رضایت و اطلاع مسئول اداره خانواده و مدیر و سرپرست آن، یعنی مرد، است. هدف قانون‌گذار از اعطای اختیار به شوهر برای منع زن از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا شوهر باشد، حفظ مصالح خانواده و حیثیت طرفین است. بنابراین، مرد در اعمال اختیار ذکرشده بر محور حفظ مصالح خانواده و حیثیت زن یا خودش باید رفتار کند. آنچه موجب اخلال در بنیان خانواده و ملزومات آن، یعنی نگاهداری و تربیت فرزند و حفظ حیثیت اجتماعی زن یا شوهر یا به هم خوردن نظم خانواده از نظر تربیتی و اقتصادی باشد، از امور منافی مصالح خانواده است [۲۹، ص ۲۳۳]. در ادامه، موضوع را در دو محور مورد تأکید قانون، یعنی مشاغل منافی مصالح خانوادگی و مشاغل منافی با حیثیات خود یا زن و بعد از آن نحوه اعمال اختیار مرد، بررسی می‌کنیم.

مشاغل منافی مصالح خانوادگی

چیزی منافی مصالح خانوادگی یک خانواده محسوب می‌شود که بنیان و اساس آن را مختل کند و نظم حاکم بر آن از قبیل نحوه اداره، تربیت و تحصیل فرزندان، آرامش و آسایش اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوعات در هر خانواده‌ای متفاوت است و تعیین ضابطه خاص برای آن‌ها و تشخیص شغل منافی مصالح خانواده امکان ندارد. بنابراین، برحسب شرایط خانواده‌ها و اوضاع و احوال حاکم بر آن متفاوت است. از مجموعه وظایف زن، همکاری و معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد، نگهداری و مواظبت از اولاد، تمکین، سکونت در محلی که شوهر تعیین می‌کند و وفاداری را می‌توان برشمرد. بنابراین، چنانچه مشاغلی که زن به آن اشتغال می‌ورزد با مصالح خانوادگی، یعنی قوام و استحکام و نظم و آرامش، منافات داشته باشد، مرد می‌تواند وفق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، زن خود را از شغل ذکرشده بازدارد. چنانچه زن با اشتغال خود، اعم از اشتغال به حرفه یا صنعت خاصی در منزل یا بیرون از آن، نتواند به تکلیف تمکین از مرد عمل کند، علاوه بر عدم استحقاق نفقه، برابر ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، مرد می‌تواند برابر ماده ۱۱۱۷ وی را از حرفه یا صنعت ذکرشده بازدارد [۲۰، ص ۳۹؛ ۲۸، ص ۹۷].

علاوه بر این، چنانچه اشتغال به حرفه یا صنعت یا شغلی توسط زن در داخل یا خارج از خانه، وقت و توان کافی برای ایفای وظایف خود در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزندان نداشته باشد، مرد به استناد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و با ترتیبی که در بند بعدی خواهد آمد، می‌تواند زن را از اشتغال به شغل ذکرشده منع کند. با این وصف، در صورتی که زوجه با اشتغال خود از ادای وظایف زناشویی، اعم از زوجیت و مشارکت در تربیت فرزندان، بازماند، در تضاحم

دو حکم جواز اشتغال و وجوب ادای وظایف زوجیت، زن باید از اشتغالی که مغایر و منافی ادای وظایف زناشویی است، دست بردارد و به انجام وظایف ناشی از ازدواج، که در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی آمده است، بپردازد. در صورت تحقق نیافتن وظیفه مذکور، قانون گذار به پیروی از شرع به مرد حق داده است که وی را از اشتغال به شغل ذکر شده بازدارد.

مشاغل منافی با حیثیت مرد و زن

از مواردی که قانون گذار به مرد حق داده زن خود را از اشتغال به حرفه یا صنعت معینی منع کند، تنافی شغل ذکر شده با حیثیت مرد و همچنین زن است. معیار ثابت و روشنی برای همه خانواده‌ها قابل تعیین نیست؛ بلکه برحسب شرایط خانواده‌ها و آداب و رسوم حاکم بر آنها متفاوت است. این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده‌ها متفاوت و تشخیص آن با عرف است [۲۱، ص ۱۴۲]. حیثیت و اعتبار اجتماعی یک روحانی، دانشمند، پزشک و هنرپیشه با یکدیگر متفاوت است. شغلی را که همسر از هر یک از مشاغل ذکر شده برمی‌گزیند، با دیگر مشاغل متفاوت و ممکن است با حیثیت و اعتبار شوهر یا خود او منافات داشته باشد.

نحوه اعمال اختیار مرد و حدود آن

با توجه به ماده ۱۱۱۷، این سؤال مطرح می‌شود که تشخیص مصالح خانواده و حیثیت زن و مرد با کیست؟ آیا مرد، به‌عنوان رئیس خانواده، بنا به تشخیص خود از مصلحت خانواده و حیثیت خود یا زن می‌تواند زن را از اشتغال به شغل معین منع کند؟ آیا با اعلام مرد به کارفرمای زن، کارفرما وظیفه دارد از اشتغال زن به حرفه خلاف مصالح خانواده و منافی حیثیت جلوگیری کند یا مرد به‌عنوان مدعی باید به محکمه مراجعه کند و با اثبات تنافی شغل زن با مصالح خانواده و حیثیت خود و زن، رأی دادگاه مبنی بر ممانعت از اشتغال به حرفه معینی را دریافت و برای اجرا به کارفرما تقدیم کند؟ از ظاهر مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ قانون مدنی برمی‌آید که مرد به‌عنوان سرپرست خانواده و براساس اختیاری که در ماده ذکر شده به وی داده شده است، می‌تواند زن را از اشتغال به حرفه معین بازدارد و نیازی به حکم دادگاه و اثبات آن ندارد. اما در ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ آمده است:

شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند...

از ماده مذکور، که نسبت به قانون مدنی تأخیر داشته و هنوز نیز نسخ نشده است، برمی‌آید که شوهر باید با اقامه دعوی و اثبات ادعای خود مبنی بر تنافی شغل زن با مصالح خانواده یا حیثیت خود یا زن و ارائه رأی دادگاه به کارفرمای زن، اعم از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی یا

غیردولتی یا خصوصی، زن را از اشتغال به حرفه ذکرشده بازدارد. دستگاه‌های ذکرشده نیز موظف به اجرای رأی دادگاه هستند. این امر برای جلوگیری از سوءاستفاده مرد از اختیار ذکرشده در قانون است. در ادامه ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ آمده است که زن نیز می‌تواند از دادگاه تقاضای مشابه بر منع زوج از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت مرد یا زن بنماید. دادگاه در این حالت با اثبات ادعای زوج و در صورت بروز اختلال در امر معیشت خانواده، مرد را از اشتغال به شغل ذکرشده بازمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

۱. با بررسی انجام‌شده در مقاله برمی‌آید که انتخاب شغل و اشتغال به حرفه مورد علاقه زن و مرد از حقوق اولیه آن‌هاست. زنان نیز، مانند مردان، می‌توانند به شغل دلخواه خود مبادرت ورزند و از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌مند شوند. نظام حقوقی ایران در اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۸ و بندهای دوم و چهارم و هفتم و اصل ۴۳ و قوانین عادی از جمله مواد ۳۸، ۷۵، ۷۷ و ۷۸ قانون کار و برخی قوانین دیگر به تبعیت از فقه امامیه برای زن حق اشتغال قائل شده است. زنان استقلال مالی دارند و با داشتن حق مالکیت، به‌طور مستقل حق هرگونه تصرف در دارایی خود را دارند؛

۲. از طرف دیگر، در اجرای وظایف زناشویی هر یک از زن و مرد حقوق و تکالیفی دارند. اهمیت اساس و بنیان خانواده و ضرورت مراقبت از این مهم، ایجاب می‌کند که در این اجتماع دو یا چند نفری، یک نفر تصمیم‌نهایی را بگیرد و به تردیدها و اختلاف نظرها پایان دهد. از این‌رو، نظام حقوقی ایران تصمیم‌گیری نهایی را با عنوان ریاست خانواده، از خصایص شوهر دانسته است. چنانچه اشتغال به شغل انتخابی توسط زن با مصالح خانواده در تنافی باشد یا با حیثیت و اعتبار اجتماعی و خانوادگی زن یا شوهر مغایرت داشته باشد، مدیر و سرپرست اداره و سازمان خانواده، برابر قانون، حق پیدا کرده است که زن را از اشتغال به شغل ذکرشده منع کند؛

۳. از نتایج بررسی‌ها برمی‌آید که تعیین ضابطه و ملاک معین برای مصالح خانواده‌ها یا حیثیت زن یا مرد امکان‌پذیر نیست و باید داوری را به دادرس بر مبنای عرف سپرد؛

۴. احاله وظیفه اثبات مغایرت و تنافی شغل زن با مصالح خانواده و حیثیت و اعتبار زن یا مرد، به مرد و ضرورت رسیدگی و صدور حکم در دادگاه صالح، فرد را از سوءاستفاده از اختیار ذکرشده در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی بازمی‌دارد؛

۵. این حق به زوج نیز داده شده است که در صورت ادعای اشتغال مرد به شغلی که مغایر مصالح خانواده و حیثیت زن یا مرد باشد، با مراجعه به دادگاه و اثبات ادعا، براساس ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۵۳، مرد را از اشتغال به شغل ذکرشده منع کند.

منابع

- [۱] اقبالی، بنفشه (۱۳۸۶). *نظرسنجی از مردان درباره اشتغال زنان، پژوهش ارتباطی*، ش ۵۱، مرکز تحقیقات و مطالعات پخش برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- [۲] آلبر مائه؛ ژوئل ایزاک (۱۳۰۹). *تاریخ ملل شرق*، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران: کمیسیون معارف.
- [۳] جبعی‌العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۶). *مسالك الافهام الى تنقيح الشرايع الاسلام*، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ج ۸، قم.
- [۴] حر عاملی، محمد (۱۳۶۷). *وسائل الشيعه الى تنقيح مسائل الشريعة*، ج ۱۰، تهران: وزارت ارشاد، چ ۶.
- [۵] حسینی جوهری (۱۴۲۰). *سید عباس، خزان‌الاشعار*، قم: مسجد مقدس جمکران، چ ۲.
- [۶] خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). *جامع‌المدارک فی الشرح المختصر النافع*، تعلیق علی‌اکبر غفاری، ج ۵، تهران: صدوق، چ ۲.
- [۷] رازی، فخرالدین (۱۴۲۰). *مفاتیح‌الغیب*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چ ۳.
- [۸] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلوم الاسلامیه، چ ۲.
- [۹] روشن‌فر، مرضیه (۱۳۸۲). *زن، اشتغال و مالکیت*، تهران: برگ زیتون، چ ۲.
- [۱۰] سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی اشتغال بانوان*، تهران: مؤسسه فرهنگی تربیتی تبیان.
- [۱۱] شایگان، سید علی (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*، قزوین: طه.
- [۱۲] صادقی‌مقدم، محمدحسن؛ امیرحسینی، امین (۱۳۹۴). «نفقه و نیازهای درمانی زوجه»، *زن در فرهنگ و هنر*، مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران، ص ۴۰۵.
- [۱۳] صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۸۳). *باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال ۸، ص ۱۶۱.
- [۱۴] صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). «تحول در حقوق ارث زن از اموال غیر منقول شوهر»، *دوفصل‌نامه دانش حقوق مدنی*، ش ۲، ص ۴۱.
- [۱۵] صادقی‌مقدم، محمدحسن؛ انصاری‌پور، محمد علی (۱۳۸۴). «اجرت‌المثل کارهای زوجه و بررسی آرای محاکم در این زمینه»، *فصل‌نامه مدرس علوم انسانی*، ش ۴۱، ص ۱.
- [۱۶] صادقی‌مقدم، محمدحسن؛ موحدی ساوجی، محمد (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی نسب کودکان حاصل از جنین آزمایشگاهی در حقوق ایران و امریکا»، *فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۴، ش ۲، ص ۲۰۷.
- [۱۷] صادقی‌مقدم، محمدحسن؛ نوری یوشانلوپی، جعفر (۱۳۹۰). «تحول مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر شناسایی خسارات غیر ترمیمی»، *فصل‌نامه حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۴۱، ش ۲۴، ص ۲۳۹.
- [۱۸] صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). «تحول در حقوق ارث زن اموال غیرمنقول شوهر»، *دوفصل‌نامه دانش حقوق مدنی*، ش ۲، ص ۵۶.
- [۱۹] صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). «سهم‌الارث زوجه منحصر در فقه و قانون مدنی»، *مجله حقوق دانشگاه تهران*، ش ۲۶، ص ۳۹.

- [۲۰] صفار، محمدجواد (۱۳۹۳) *درس‌هایی از حقوق خانواده*، تهران: جنگل.
- [۲۱] صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۴). *دوره حقوق مدنی، مختصر حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران، چ ۴.
- [۲۲] طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی التفسیر القرآن*، ج ۴، قم: بنیاد علمی علامه طباطبایی، چ ۲.
- [۲۳] طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶). *مجمع‌البیان*، بیروت: مطبعه دارالمعرفه.
- [۲۴] طوسی، شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۷). *کتاب الخلاف*، بی‌جا: مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۲.
- [۲۵] طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیین فی التفسیر القرآن*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- [۲۶] عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه‌سادات (۱۳۸۵). «نگرشی بر سیر تاریخی و تطبیق حقوق زن در ایران»، *نشریه ندای صادق*، ع، ش ۱۱، ص ۲۴۸.
- [۲۷] عراقی، عزت‌الله (۱۳۸۹). *دوره کامل حقوق کار*، ج ۱، تهران: سمت، چ ۲.
- [۲۸] فرشتیان، حسن (۱۳۷۱). *نقشه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۲۹] کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۷.
- [۳۰] محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۳۶۵). *بررسی فقهی حقوق خانواده*، قم: مؤسسه علوم اسلامی.
- [۳۱] مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۹). *حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: صدا و سیما.
- [۳۲] مروارید، علی‌اصغر (۱۴۱۳). *الینابیع الفقهیه*، ج ۳۸، بیروت: مؤسسه الفقه الشیعه.
- [۳۳] مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، چ ۲.
- [۳۴] مظفری، بهجت‌الملوک (۱۳۷۸). *بررسی روند اشتغال زنان در ایران و دیگر کشورها*، مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء.
- [۳۵] مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*، ج ۲، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- [۳۶] موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۷). *تحریر الوسیله*، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه علمی عروج، چ ۲.
- [۳۷] مهرپور، حسین (۱۳۷۰). *بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران*، تهران: اطلاعات.
- [۳۸] _____ (۱۳۷۹). *مباحثی از حقوق زن*، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- [۳۹] نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۳۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- [۴۰] ویل دورانت (۱۳۷۱). *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب، تهران: انقلاب اسلامی، چ ۷.
- [۴۱] ویل دورانت (۱۳۴۹). *تاریخ تمدن*، ترجمه مهرداد مهرین، ج ۲، تهران: اقبال.
- [۴۲] هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). *زن و عدالت اجتماعی* (مجموعه خطبه‌های نماز جمعه)، نشر سفیر حج.